

باسمه تعالی

مقدمه واجب..... ۱**ثمره وجوب مقدمه موصله و وجوب مطلق مقدمه**..... ۱

مقام اول: بیان ثمره بنا بر تقریب تقیید وجوب مقدمه به ایصال..... ۱

انکار ثمره از جانب مرحوم شیخ..... ۳

اشکال اول بر انکار ثمره: عدم صحت تفسیر معنای نقیض..... ۴

اشکال دوم: عینیت داشتن ترک صلات با حرمت صلات..... ۵

موضوع: ثمره اول / ثمرات مقدمه واجب / مقدمه واجب**خلاصه مباحث گذشته:**

بحث در مورد بررسی وجوب مقدمه موصله تمام شد. در این جلسه به بیان ثمره بین قول به وجوب مطلق مقدمه و وجوب مقدمه موصله پرداخته می شود.

مقدمه واجب**ثمره وجوب مقدمه موصله و وجوب مطلق مقدمه**

بحث در مورد ثمره مساله مقدمه موصله است. این بحث در دو مقام مطرح می شود:

مقام اول: ثمره مساله به تقریب صاحب فصول است که ایشان ایصال را قید می دانست؛ یعنی بنا بر این که واجب، مقدمه مقید به ایصال باشد، چه ثمره ای دارد؟

مقام دوم در مورد ثمره مساله مقدمه موصله بنا بر تقریب دیگران است. مثلاً حصه توأمه (آغا ضیاء) و یا مجموع المقدمات (مرحوم صدر) و سایر تعبیرات.

مقام اول: بیان ثمره بنا بر تقریب تقیید وجوب مقدمه به ایصال

مرحوم آخوند^۱ طبق تقیید وجوب مقدمه به ایصال، ثمره را متذکر شده است و وجه آن نیز این است که تا زمان ایشان، مقدمه موصله به نحو تقیید مطرح شده بود و بعدها حصه توأمه و غیر ذلک مطرح شده است. مرحوم آخوند می فرماید: در جایی که ما

^۱ کفایه الاصول، آخوند خراسانی، ج ۱، ص ۱۲۱.

تزام بین امر اهم و مهم عبادی داشته باشیم (مثل تراحم امر به ازاله و امر به نماز در سعه وقت) در این جا می‌گویند: امر به ازاله چون ضیق است، اهم است. حال، اگر شخصی امر به اهم را ترک کرد و مشغول خواندن نماز شد، آیا این نماز محکوم به صحت است یا نه؟ بحث مقدمه موصله و وجوب مطلق مقدمه در این جا اثر دارد. بنا بر قول به وجوب مطلق مقدمه، این نماز با ضمیمه کردن سه مقدمه محکوم به فساد است و بنا بر وجوب خصوص مقدمه موصله، این نماز محکوم به صحت است. بنا بر وجوب مطلق مقدمه سه مقدمه باید ضمیمه شود تا حکم به فساد نماز شود:

- ۱- ترک ضد، مقدمه برای فعل ضد دیگر است. مطلبی که در بحث اقتضای امر، نهی از ضدش، خواهد آمد.
 - ۲- امر به شیء مقتضی نهی از ضدش است.
 - ۳- نهی مقتضی فساد است، چه نهی نفسی باشد و چه نهی غیری باشد. زیرا در محل کلام اگر نهی داشته باشیم، نهی غیری است که از راه امر به شیء آمده است و محل بحث است که آیا نهی غیری، مقتضی فساد هست یا نه؟ اگر این سه مقدمه را قبول کنیم، بنا بر این که مطلق مقدمه واجب باشد، ضد عبادی که امر به مهم است، عند ترک الاهم، محکوم به فساد است و اگر قائل به مقدمه موصله بشویم، نماز خواندن محکوم به صحت است.
- بیان ذلک: اگر مطلق مقدمه واجب باشد و سه مقدمه را قبول کنیم، ترک ضد عبادی که مقدمه فعل اهم است، واجب است (به حکم مقدمه اول) پس ترک صلات واجب است؛ چون مقدمه فعل ازاله است. ترک صلات که واجب شد، به حکم مقدمه دوم، امر به ترک نماز، اقتضای از نهی از ضدش دارد و ضدش هم نماز خواندن است و نماز نهی پیدا می‌کند. باید توجه داشت که این نهی، غیری است خود صلات مفسده ندارد؛ بلکه ترک صلات مصلحت دارد. به حکم مقدمه سوم، گفته می‌شود نماز عند ترک الازاله محکوم به فساد است.

اما بنا بر این که خصوص مقدمه موصله واجب باشد، ترک نماز واجب نیست، تا گفته شود که فعلش حرام است و فاسد است؛ بلکه ترک صلات موصّل به ازاله واجب است. اگر ترک نماز شد و مشغول ازاله شد، ترک نماز موصّل، مصداق واجب شده است و مطلق التّرك واجب نیست. وقتی که مکلف مشغول به نماز شد، مصداق واجبی وجود ندارد؛ چون ترک نماز موصّل وجود ندارد. حین اشتغال به صلات، مصداق واجبی وجود ندارد تا اقتضای حرمت نماز را داشته باشد و بعد از آن نیز فساد نماز لازم بیاید. وقتی که ازاله ترک می‌شود و مشغول به نماز می‌شود، این نماز مصداق حرام نیست و وجهی برای بطلان آن نیست.

تمام فرق همین است که بنا بر وجوب مطلق مقدمه، نماز مصداق حرام است و بنا بر وجوب مقدمه موصله، اشتغال به نماز، مصداق حرام نیست؛ زیرا واجب، ترک نماز موصّل بود که در خارج محقق نشده است.

انکار ثمره از جانب مرحوم شیخ

مرحوم شیخ انصاری فرموده است: ثمره ای بین دو قول وجود ندارد. یا مطلقا نماز باطل است و یا مطلقا صحیح است. در ذهن ایشان این مطلب بوده است که فلاسفه نقیض را این گونه تعریف کرده‌اند: نقیض کل شیء رفعه او عدمه. بعد در این جا فرموده است: بنا بر وجوب مطلق مقدمه، ترک نماز واجب است؛ ولی نقیض آن، عدم ترک نماز است نه فعل نماز. (در اصطلاح اصولی، نقیض و ضد با هم تفاوتی ندارند؛ لذا مرحوم شیخ می‌فرماید هر چند که ترک نماز واجب است؛ ولی ضد آن عدم ترک نماز است نه این که فعل نماز باشد تا بعد گفته شود امر به شیء نهی از ضدش می‌کند) اگر نقیض ترک نماز (بنا بر وجوب مطلق مقدمه)، فعل صلات بود، امر به شیء مقتضی نهی از ضد و نقیض آن است، در نتیجه حرام می‌شود و حکم به فساد آن می‌شود؛ اما نقیض ترک صلات، عدم ترک صلات است. بله؛ صلات ملازم یا مقارن با عدم ترک صلات است. صلات فردی برای عدم ترک صلات است. این مقداری که در مطلق مقدمه گفته شد، در مقدمه موصله نیز وجود دارد؛ یعنی نقیض ترک صلات موصل، عدم ترک صلات موصل است. اگر بخواهد ترک صلات موصل معدوم بشود، باید مکلف نماز بخواند یا مثلا بخوابد. چه نماز بخواند و چه نماز نخواند و مشغول کار دیگری بشود، ملازم با عدم ترک صلات موصل است.

پس همان طوری که اگر قائل به وجوب مطلق مقدمه بشویم، ملازمه وجود دارد، همچنین اگر قائل به وجوب مقدمه موصله بشویم، ملازمه وجود دارد.^۱ بله؛ در مطلق مقدمه، یک فرد داریم و در وجوب مقدمه موصله، دو فرد داریم.

عبارات شیخ مقداری تشویش دارد. در بعضی از عبارات مرحوم شیخ فرموده است: بنا بر وجوب مطلق مقدمه نقیض عدم ترک صلات یک فرد دارد و آن نماز خواندن است؛ اما عدم ترک صلات موصله دو فرد دارد؛ زیرا منفی مقید است و انتفاء مقید، گاهی اوقات به انتفاء ذات مقید است و گاهی اوقات به انتفاء قید است. یک فرد این است که صلات هست و موصل نیست و در یک فرد صلات نیست و مثلا خوابیده است.

بنا بر این مطالب گفته می‌شود: اگر ملازمه برای سرایت حرمت، یا فردیت برای سرایت حرمت کافی باشد، چه مطلق مقدمه واجب باشد و چه موصله واجب باشد، این نماز حرام است؛ پس مطلقا فاسد است. اگر گفته شود که فردیت و ملازمه برای سرایت حرمت کافی نیست و عینیت (فعل مکلف عین نقیض باشد) لازم است، در هیچ کدام عینیت نیست؛ زیرا بنا بر وجود

^۱ مطارح الانظار، الکلاتیری، الطهرانی، المیرزا ابولقاسم، ج ۱، ص ۳۷۸.

^۲ توضیح مقرر: لذا همان طور که طبق مبنای وجوب مطلق مقدمه، حرمت نقیض ترک الصلاة، سبب بطلان ملازم نقیض (نماز) شد، طبق مبنای وجوب مقدمه موصله نیز، حرمت نقیض ترک صلات موصل، سبب بطلان ملازم نقیض (نماز) می‌شود.

مطلق مقدمه عدم ترک صلات با خود صلات عینیت ندارد و بنا بر وجوب مقدمه موصله، نماز عین نقیض نیست، تا امر به شیء اقتضای نهی از ضدش داشته باشد.

خلاصه کلام این است که از وجوب ترک نماز به ضمیمه امر به شیء مقتضای نهی از ضدش هست، می‌خواهیم به حرمت نماز برسیم. در هر صورت، نقیض ترک نماز یا ترک نماز موصول، نماز خواندن نیست؛ بلکه نقیض آن، عدم ترک نماز است. حال، برای سرایت حرمت، عینیت لازم است، بنا بر وجوب مطلق مقدمه و وجوب مقدمه موصله، عینیت وجود ندارد و اگر عینیت لازم نیست، در وجوب مطلق مقدمه و وجوب مقدمه موصله، ملازمه و فردیت وجود دارد.

اشکال اول بر انکار ثمره: عدم صحت تفسیر معنای نقیض

مرحوم آخوند فرموده است: بین این که مطلق مقدمه واجب باشد یا مقدمه موصله را واجب بدانیم، فرق است. کلام مرحوم شیخ که گفت: نماز خواندن نقیض نیست و ملازم است، درست نیست. بنا بر وجوب مطلق مقدمه اگر ترک صلات واجب شد، نقیض آن فعل صلات است این که فعل صلات از ملازمات و مقارنات است، درست نیست؛ زیرا نقیض کل شیء رفع آن است و معنای رفع، عدم نیست. فعل هم نقیض ترک است. العدم و الوجود، الفعل و الترتک نقیضان. این مطلب درست نیست که نقیض ترک صلات عدم ترک صلات است؛ بلکه فعل صلات است.

اگر هم تعبیر می‌شود: نقیض کل شیء عدمه، معنایش این است که شیء را به معنای فعل قرار داده‌اند و نقیض آن را عدم دانسته‌اند. یا این که گفته شود: معنای نقیض کل شیء رفعه، رفع به معنای فاعلی و مفعولی است. اگر شیء، یک امر وجودی است، نقض آن، رافع آن است و معنای فاعلی دارد و عدم وجود را رفع می‌کند و رافعیّت دارد و اگر شیء، یک معنای عدمی دارد، رفعه معنای مفعولی دارد و معنایش ما به یرتفع است و ما هو المرفوع است یعنی چیزی که به وسیله آن عدم مرفوع می‌شود. یعنی فعل به وسیله آن مرفوع است. پس نقیض کل شیء عدمه شامل وجود و عدم می‌شود. گاهی نقیض وجود است و گاهی عدم است؛ پس اگر ترک صلات واجب شد، نقیض آن، فعل صلات است.

اما اگر گفتیم مقدمه موصله واجب است، واجب، ترک صلات موصول است و خود نماز نقیض ترک صلات موصول نیست. بنا بر وجوب مقدمه موصله، واجب ما ترک صلات موصول است و ترک صلات موصله چون قید دارد، نقیضش نماز نیست. شاهد آن این است که ممکن است ترک صلات موصول مرتفع بشود و نماز هم مرتفع بشود، مثلاً بخواهد. نماز و عدم ترک صلات موصله محقق نشده است؛ یعنی وقتی که ازاله امثال نشد، عدم ترک صلات موصول و نماز خواندن هم محقق نشد. این که هم عدم ترک صلات نیست و هم نماز نیست، کشف می‌شود که نقیض یکدیگر نیستند؛ زیرا النقیضان لا یرتفعان؛ بلکه عدم ترک صلات

موصل، گاهی اوقات مقارن با نماز خواندن است و گاهی اوقات مقارن با خوابیدن است؛ پس ترک صلات موصل وقتی عدم می‌شود که ازاله رخ بدهد؛ یعنی وقتی ازاله بشود، ترک صلات با وصف موصلیت، معدوم شده است.

بنا بر وجوب مطلق مقدمه، نماز خواندن، نقیض ترک نماز است و به حکم مقدمه دوم، محکوم به فساد می‌شود و اما بنا بر وجوب مقدمه موصله، نماز خواندن نقیض ترک صلات موصله نیست لذا حرمت به آن سرایت نمی‌کند. حتی در ملازمات، حرمت سرایت نمی‌کند فضلا از این که بخواهد به مقارنات سرایت کند. عدم ترک صلات موصل، ملازم با نماز نیست؛ زیرا ممکن است نماز نخواند و بخوابد؛ پس از مقارنات است.

یک بحثی است که اگر دو شیء با هم ملازم شدند و یکی از آنها واجب شد، دیگری هم باید واجب باشد یا نه؟ آیا وجوب از ملازم به ملازم دیگری سرایت می‌کند یا نه؟ مرحوم آخوند می‌فرماید: وجوب باید ملاک داشته باشد و ملازمه ملاک ساز نیست. ممکن است یک ملازم وجوب داشته باشد و ملازم دیگری مباح باشد. بله؛ ملازم دیگری نباید حکم مناقض آن داشته باشد؛ زیرا تکلیف بما لا یطاق است. هر وقت یک ملازم اتیان شود، دیگری هم اتیان شده است و نمی‌تواند حرام باشد. حکم مضاد غیر لزومی نیز نمی‌تواند داشته باشد؛ زیرا لغو است. چون وقتی واجب امتثال می‌شود، دیگری نیز اتیان می‌شود و جعل استحباب یا مکروه لغو است. وقتی در ملازمات سرایتی در کار نبود، در مقارنات به طریق اولی این گونه نیست. صلات، مقارن عدم ترک صلات موصل است.

نتیجه: مرحوم آخوند اساس مطلب را تحلیل می‌کند. ایشان می‌فرماید: وجود، نقیض وجود عدم است؛ پس بنا بر وجوب مطلق مقدمه، صلات نقیض عدم صلات است. حال اگر امر به شیء مقتضی نهی از ضدش باشد، نماز حرام است و باطل است. بنا بر وجوب مقدمه موصله، صلات، نقیض ترک صلات موصل نیست بلکه از مقارنات است پس حرام نیست و نماز صحیح است.

اشکال دوم: عینیت داشتن ترک ترک صلات با حرمت صلات

مرحوم آخوند می‌فرماید: سلّمنا که معنای نقیض کل شیء عدمه، همان معنایی باشد که مراد فلاسفه است و مرحوم شیخ استفاده کرده است؛ اما به نظر ما اگر ترک ترک صلات واجب شد، فعل صلات حرام است چون عین هم هستند چه نقیض هم باشند یا نباشند. برای حرام شدن عینیت کافی است. هر چند ما بگوییم نقیضین نباشند؛ اما باز هم بین قول به وجوب مطلق مقدمه و قول به وجوب مقدمه موصله، فرق وجود دارد. بنا بر این که قائل به وجوب مطلق مقدمه بشویم، صلات، عین ترک ترک صلات است اگر ترک صلات واجب شد به حکم امر به شیء مقتضی نهی از ضدش هست، ترک ترک صلات حرام است و ترک

ترک صلات به خود صلات است. بر خلاف مقدمه موصله که اگر ترک صلات موصل واجب شد نقیضش ترک ترک صلات موصله است و این عینیت با نماز ندارد؛ چون با خواب هم جمع می شود.